



گزارش تحلیلی از

واکاوی راهبرد جدید آمریکا در مقابل ایران

اکتبر ۲۰۱۸

مهر ماه ۹۷

رصدخانه روابط بین الملل

برداشت روز تگاهی است تحلیلی گرایانه به اقدامات و پدیده های جهانی در حوزه فرهنگی، اجتماعی و روابط بین الملل

سخنی با خوانندگان:

رصد مداوم و تجزیه و تحلیل آخرین رویدادها در عرصه بین الملل برای ایجاد شناخت، روند شناسی و برنامه ریزی صحیح از جمله نیازهای ضروری است.

بدین منظور گروه رصدخانه روابط بین الملل مجمع جهانی صلح اسلامی این مهم را در دستور کار خود قرار داده و بخشی از آن را به صورت موردی با عنوان ترجمان روز منتشر می نماید.

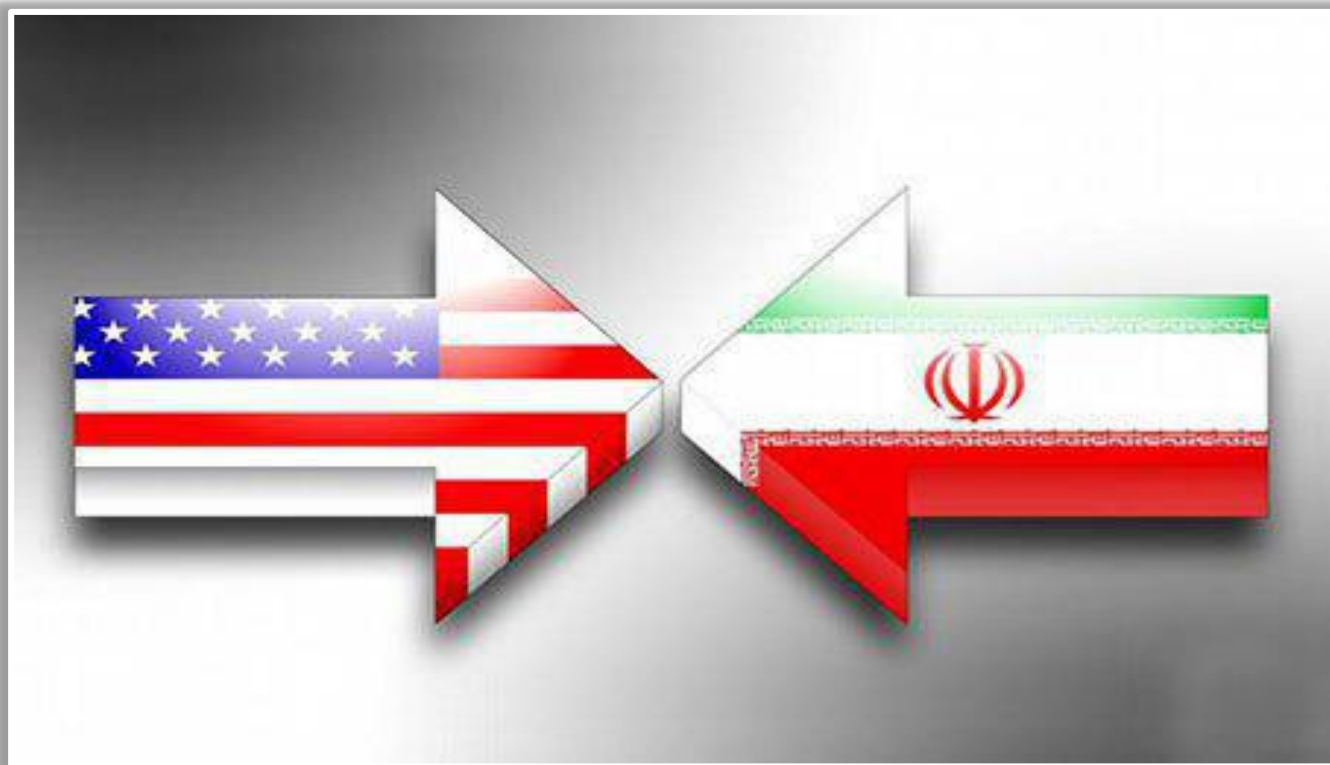
هرگونه مساعدت و همفکری در جهت افزایش غنای این گزارش های خبری و تحلیلی مزید امتنان است.

بدیهی است طرح گزارش ها و تحلیل ها گرایشی نبوده و به عنوان نظر رسمی این مجمع نیز تلقی نمی گردد.

از آنجا که این گزارش صرفاً برای تعدادی از مسئولان و مدیران انتشار می یابد، بهره برداری، انتشار و کپی برداری از مطالب با هماهنگی این مجمع مجاز خواهد بود.

گزارش تحلیلی از واکاوی راهبرد جدید آمریکا در مقابل ایران

اکتبر ۲۰۱۸



مقدمه

سیاست های خصمانه ی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران که از زمان شکل گیری انقلاب اسلامی در دستور کار دولتمردان و سیاستمداران این کشور قرار دارد، با روی کار آمدن دونالد ترامپ به عنوان رییس جمهور ایالات متحده آمریکا افزایش چشمگیری یافته است. از جمله می توان به خروج یک جانبه این کشور از توافق بین المللی موسوم به برجام، اعمال تحریم های سنگین اقتصادی علیه ایران و متهم کردن ایران به حمایت از تروریست اشاره کرد. دولت آمریکا در این راستا تلاش هایی را نیز به منظور همراهی سایر کشورها و ایجاد اجماع بین المللی علیه ایران از سر گرفته است.

ایالات متحده طبق روند سالیانه، سند استراتژی ملی و امنیتی را تدوین و منتشر می نماید و همواره در این اسناد راهبرد دفاعی و امنیتی، جمهوری اسلامی ایران در کانون تمرکز آمریکا قرار دارد. این بار در مهر ۹۷، دولت آمریکا از سند راهبردی جدید خود در مبارزه با تروریسم رونمایی کرد. این سند موسوم به «استراتژی ملی ایالات متحده آمریکا برای مبارزه با تروریسم» (که مشابه آن پیش تر سال ۲۰۱۱ توسط دولت باراک اوباما منتشر شده بود)، جنبه های مختلف سیاست های واشینگتن برای مقابله با تروریسم را بیان می کند. این دو سند که به فاصله هفت سال منتشر شدند، در عین شباهت های بسیار، تفاوت های بنیادینی نیز با یکدیگر دارند. در این سند آمده است: "دولت ترامپ این اشتباهات را تکرار نخواهد کرد. سیاست دولت ترامپ درباره ایران، کلیت تهدیدهای ناشی از فعالیت های مخرب حکومت ایران را در نظر گرفته و تلاش خواهد کرد در رفتار رژیم ایران تغییر ایجاد کند." در این سند که بیشتر بندهای آن بر اساس ادعاهای بی پایه و اساس آمریکا علیه ایران تنظیم

و تدوین شده، آمده است: «استراتژی جدید آمریکا درباره ایران بر خنثی‌سازی فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده تهران و نفوذ این کشور به ویژه در حمایت از تروریسم و شبه‌نظامیان متمرکز است. بر همگان واضح است که ایالات متحده همواره ایران را مهمترین مانع بر سر راه سلطه خود در جهان معرفی نموده و از طریق جنگ فرهنگی، اقتصادی و پدید آوردن شرایط سخت معیشتی برای مردم، مسئولان و سیاست‌های نظام را از طریق عملیات روانی عامل اصلی این وضعیت معرفی می‌کند. بدون شک، شناخت نقشه‌های دشمن، سیاست‌ها، راهبردها، تاکتیک‌ها و تکنیک‌هایی که او برای رسیدن به اهداف خود به کار می‌بندد از شروط لازم برای ناکام گذاشتن وی در رسیدن به اهداف است. در این گزارش تحلیلی سعی بر این بوده است که موارد مطرح شده در سند راهبرد جدید آمریکا مورد واکاوی قرار گیرد.

راهبرد جدید ایالات متحده آمریکا علیه ایران

انتشار راهبرد جدید ایالات متحده آمریکا علیه ایران در رسانه‌های خارجی و داخلی، تحت تاثیر سخنرانی ترامپ قرار گرفت و بیشتر توجه‌ها به سمت اظهارات این سیاستمدار تاجر مسلک بود. به گونه‌ای که تلاش‌ها بر سر این موضوع بود که ترامپ شخصیتی روان پریش دارد و اکثراً اظهاراتش در خصوص تحریف نام خلیج فارس و تروریست نامیدن ملت ایران، برجسته شد. به صورت شفاف مشخص است که ترامپ در حال پیاده کردن استراتژی‌ای هوشمند نسبت به ایران است. هم‌متن استراتژی که توسط وزارت خارجه آمریکا منتشر شد و هم آن‌چه ترامپ در قسمتهایی از سخنان خود در بسط این استراتژی برشمرده را بایستی در منطق کلی سیاست ورزی ترامپ نسبت به ایران قلمداد کرد.

شایان ذکر است، در راهبرد جدید مقابله با تروریسم آمریکا چندین بار دولت ایران «حامی اول تروریسم» عنوان شده و تحلیلگران بر این باورند در این سند ادعا شده که ایران به مثابه مهم‌ترین دولت حامی تروریسم، تهدیدهایی متوجه آمریکا و جهان می‌کند و وعده داده شده که آمریکا با این تهدیدها و آنچه رئیس‌جمهور آمریکا در مقدمه این سند از آن به عنوان «شبکه تروریستی جهانی ایران» نام برده، مقابله خواهد کرد و ایران را به تشدید مناقشه‌ها در خاورمیانه و تلاش برای تضعیف دولت‌ها در این منطقه متهم کرده است. و این نکته بسیار مهمی است که جمهوری اسلامی ایران باید نگاه و عمل هوشمندانه، دقیق به این اتهامات در صحنه کنونی داشته باشد.

محورهای راهبردی ایالات متحده آمریکا در سند جدید

این راهبرد از آمریکا در برابر همه تروریست‌هایی محافظت می‌کند که کشور ما را تهدید می‌کنند. ما [دقیقاً بر خلاف استراتژی ضد تروریستی دولت اوباما] بر یک سازمان واحد، متمرکز نخواهیم شد، بلکه با تمام تروریست‌هایی مقابله خواهیم کرد که توان و قصد آسیب رساندن به آمریکا، شهروندان ما، و منافع ما در خارج از کشور را دارند.

این راهبرد البته اذعان دارد که «اول، آمریکا» به معنای «تنها، آمریکا» نیست. ما برای مبارزه با تروریسم رادیکال اسلام‌گرا، تروریسم تحت حمایت ایران، و سایر اشکال افراط‌گرایی خشونت‌آمیز، گستره شرکای خود را افزایش خواهیم داد، شرکای دارای ظرفیت‌مان را به ایفای نقش بزرگ‌تر در اقدامات ضد تروریستی تشویق خواهیم کرد، و به شرکای دیگرمان کمک خواهیم نمود تا نهایتاً بتوانند به طور مستقل، با تهدیدات تروریستی مقابله کنند.

این راهبرد، از تمام ابزارهای قدرت آمریکا برای مقابله با تروریسم استفاده می‌کند. ما دشمنانمان را با تمام توان نقاط قوت آمریکا شکست خواهیم داد.

محورها و اقدامات دولت ترامپ در قالب راهبرد مقابله با تروریسم

راهبرد جدید دولت آمریکا برای مقابله با تروریسم، ۶ محور اصلی دارد که هر کدام شامل چندین «اقدامات اولویتی» می‌شود.

محور اول: تعقیب تهدیدات تروریستی تا مبدأشان

اقدامات اولویتی:

- هدف قرار دادن تروریست‌ها و گروه‌های تروریستی کلیدی
- تقویت نفوذ در مناطق برون‌مرزی ممنوعه (که آمریکا امکان اجازه حضور فیزیکی در آنها را ندارد)
- استفاده کارآمد از بازداشت تحت «قانون درگیری نظامی» به عنوان یک ابزار مبارزه با تروریسم
- یکپارچه سازی بیشتر اشتراک اطلاعات در سطوح فدرال، ایالتی و محلی
- تقویت تأثیر عملیات‌های ضدتروریستی با استفاده از ارتباطات استراتژیک

محور دوم: قطع ارتباط تروریست‌ها با منابع حمایتی اقتصادی، مالی و لجستیکی شان

اقدامات اولویتی:

- تقویت عملیات‌های شناسایی و اخلال در سفر تروریست‌ها
- مقابله با روش‌های موجود و در حال ظهور برای تأمین بودجه تروریسم
- جلوگیری از ایجاد و دست‌یابی [تروریست‌ها] به ظرفیت‌های تهاجمی
- افشا و مقابله با حمایت دولتی از تروریسم

محور سوم: مدرن‌سازی و یکپارچه سازی مجموعه گسترده‌تری از ابزارها و اختیارات آمریکا برای مبارزه

با تروریسم و حفاظت از میهن

اقدامات اولویتی:

- ایمن‌سازی مرزهای آمریکا در مقابل تهدیدات تروریستی
- اعزام و استفاده از جامعه یکپارچه [مأموران] فدرال مبارزه با تروریسم در سطح محلی
- استفاده از فناوری‌ها [ی مربوطه] برای پردازش داده‌ها
- ایجاد تصویری کلی از هویت تروریست‌ها (از جمله با استفاده از فناوری بیومتریک)
- تحقیق درباره و یکپارچه سازی اطلاعات مرتبط با تروریست‌های داخلی و هم‌تایان خارجی آنها
- بروزرسانی سیاست‌های مبارزه با تروریسم

محور چهارم: حفاظت از زیرساخت‌های آمریکا و تقویت آمادگی

اقدامات اولویتی:

- تقویت اقدامات دفاعی در زمینه اهداف زیرساختی و نرم (از جمله در فضای سایبری)
- گسترش آگاهی (بخش خصوصی و شرکای خارجی واشینگتن) درباره تهدید تروریستی علیه زیرساخت‌های حیاتی آمریکا
- تقویت آمادگی و ترویج تدارک (برای مقابله با تهدیدات تروریستی)
- ایجاد یک استراتژی در زمینه ارتباطات عمومی (با هدف آموزش عمومی مردم)
- یکی از جنایات متحدان آمریکا: حمله رژیم صهیونیستی به خانه‌ای در غزه که یک زن باردار و یک کودک ۱۸ ماهه در آن کشته شدند

محور پنجم: مقابله با ترویج افراط‌گرایی و استخدام تروریست‌ها

اقدامات اولویتی:

- رسمیت بخشیدن به یک ساختار پیش‌گیرانه برای خنثی‌سازی تروریسم (و جلوگیری از رفتن افراد مستعد به سوی افراط‌گرایی)
- مبارزه با ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه خشن
- افزایش نقش جامعه مدنی در پیش‌گیری از تروریسم (از طریق ارتباط عمومی و دیپلماسی در داخل و خارج از آمریکا)
- حمایت از اقدامات در زمینه پیش‌گیری، بازپسوند (و پذیرش دوباره تروریست‌های سابق و خانواده‌هایشان در جامعه مبدأ)، و مقابله با تکرار جرم [و بازگشت افراد به سوی تروریسم]
- مبارزه با نفوذ تروریست‌ها در فضای اینترنت
- مقابله با ترویج افراط‌گرایی از طریق برقراری ارتباطات استراتژیک (با استفاده از جامعه مدنی و رسانه‌های داخلی و خارجی)

محور ششم: تقویت ظرفیت‌های ضدتروریستی شرکای بین‌المللی

اقدامات اولویتی:

- ایجاد طیف گسترده‌تری از شراکت‌های ضدتروریستی
- حمایت از ظرفیت‌های ضدتروریستی شرکای خارجی کلیدی
- گسترش اشتراک اطلاعات با شرکا (از جمله اطلاعات بیومتریک و موقعیتی تهدیدها)
- حمایت از اقدامات با محوریت محلی برای پیش‌گیری از تروریسم (از طریق همکاری با گروه‌های جامعه مدنی در کشورهای دیگر)

راهبرد جدید آمریکا در مقابله با ایران

سند راهبردی ملی مبارزه با تروریسم آمریکا اگرچه با جملاتی کلیشه‌ای مانند «از رؤیای آمریکایی محافظت خواهیم کرد» به پایان می‌رسد، اما انتشار این سند در فضای کنونی بین‌المللی را باید کاملاً جدی گرفت. این سند، چنان‌که کارشناسان آمریکایی تأکید کرده‌اند، نشانه واضحی از تمرکز دولت آمریکا روی ایران به جای گروه‌های واقعاً تروریستی است. برای بررسی دقیق‌تر این مسئله، ابتدا باید اهداف نهایی دولت آمریکا از استراتژی جدید ضدتروریستی خود را بدانیم. این اهداف در سند راهبردی ضدتروریستی کاخ سفید این گونه ذکر شده‌اند:

- کاهش چشم‌گیر ظرفیت تروریست‌ها برای انجام حمله در آمریکا و علیه منافع حیاتی این کشور در خارج از مرزها
- قطع ارتباط منابع قدرت و حمایت با تروریست‌هایی که به آن‌ها وابسته هستند
- کاهش توانایی تروریست‌ها برای ترویج افراط‌گرایی، استخدام و تهییج افراد با هدف اقدام به خشونت در آمریکا
- آمادگی و ایمنی آمریکایی‌ها در مقابل حملات تروریستی در این کشور، از جمله از طریق تضمین امنیت مرزی و اقدام در جهت اعمال قانون
- جلوگیری از دستیابی یا استفاده تروریست‌ها از سلاح‌های کشتار جمعی، از جمله تسلیحات شیمیایی، بیولوژیک، رادیولوژیک و هسته‌ای، و سایر تسلیحات پیش‌رفته
- ایفای نقش گسترده‌تر شرکای بخش عمومی، بخش خصوصی، و خارجی آمریکا در پیش‌گیری و مقابله با تروریسم

بر همین اساس، بدیهی است که بخش عمده‌ای از اقدامات و اهداف آمریکا در راهبرد جدید ضد تروریستی اش منحصرأ علیه ایران طراحی شده‌اند. بنابراین در شرایط حساس کنونی، باید توجه داشت که اتخاذ هر سیاستی که بتواند به دستیابی آمریکا به اهدافش منجر شود، قطعاً در تضاد با منافع ملی کشور خواهد بود. در همین راستا، تصمیم درباره مسائل مهمی مانند پیوستن ایران به «کارگروه اقدام مالی (FATF) باید با نهایت دقت و دوراندیشی اتخاذ شود تا وضعیت برجام و روابط با کشورهای دیگر امضاکننده این توافق بین‌المللی، از این بدتر نشود. سند رسمی دولت آمریکا که در این گزارش به آن اشاره شد، به صراحت نشان می‌دهد که دولت ترامپ گروه‌هایی مانند حزب‌الله لبنان و حماس را «گروه‌های تروریستی» می‌داند و به اعتراف همین سند، قطعاً از تمام ابزارهای موجود از جمله کارگروه اقدام مالی برای سد کردن حمایت ایران از متحدان منطقه‌ایش استفاده خواهد نمود. بنابراین اتخاذ دیپلماسی هوشمندانه و دقیق، می‌تواند مؤثرترین راه برای عبور از تنگنای کنونی و بی‌اثر کردن اقدامات و استراتژی‌های ضدایرانی کاخ سفید باشد.

دولت ترامپ در بخشی از این سند، خاطرنشان کرده سیاست جدید واشنگتن مقابله با «کلیت تهدیدهای ایران» را در دستور کار قرار داده و به دنبال «تغییر رفتار حکومت ایران» خواهد بود. در سندی که رسانه‌ها، از جمله اسپوتنیک و واشنگتن‌اگر ماینر به نقل از کاخ سفید منتشر کرده‌اند، اصول بنیادی راهبرد جدید دولت آمریکا علیه ایران به شرح زیر اعلام شده است:

- راهبرد جدید آمریکا در قبال ایران، بر خنثی‌سازی نفوذ بی‌ثبات‌کننده ایران و مهار رویکرد تهاجمی آن به ویژه حمایت این کشور از تروریسم و گروه‌های شبه‌نظامی استوار است.
- ما به منظور ایجاد سدی در برابر اقدامات خرابکارانه ایران و احیای یک موازنه قوای استوار در منطقه بار دیگر ائتلاف‌های سنتی و شراکت‌های منطقه‌ای خود را احیا خواهیم کرد.
- ما برای قطع منابع مالی حکومت ایران - و به ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران - که برای اقدامات مخرب صرف می‌شوند تلاش خواهیم کرد و با فعالیت‌های سپاه که ثروت مردم ایران را اخاذی می‌کنند، مخالفت خواهیم کرد.
- ما با تهدیدهای ناشی از موشک‌های بالستیک و سایر سلاح‌های نامتقارن علیه ایالات متحده و متحدانمان مقابله خواهیم کرد.
- ما جامعه بین‌المللی را برای محکوم کردن اقدامات سپاه در نقض فاحش حقوق بشر و بازداشت غیرعادلانه شهروندان آمریکایی و سایر خارجی‌ها بر اساس اتهامات صوری همراه خواهیم کرد.
- مهم‌تر از همه، ما تمامی مسیرهای رژیم ایران به سلاح‌های هسته‌ای را قطع خواهیم کرد.

راهبرد جدید و برنامه هسته‌ای ایران

در بخش مربوط به توافق هسته‌ای ایران و گروه ۱+۵ (برجام) در این سند آمده است:

- فعالیت‌های حکومت ایران، تمامی تأثیرات مثبتی که قرار بود 'برنامه جامع اقدام مشترک' از حیث 'امنیت و صلح بین‌المللی' به بار بیاورند را از بین برده‌اند.
- حتی درباره خود برجام، حکومت ایران الگوی رفتاری آشفته‌ای نشان داده و به دنبال سوءاستفاده از مفرهای این توافق و محک زدن عزم جامعه بین‌المللی بوده است.

- سران نظامی ایران علناً اعلام کرده‌اند که اجازه بازرسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از سایت‌های نظامی این کشور را نخواهند داد. این اظهارات، در تقابل آشکار با تعهدات ایران ذیل برجام و پروتکل الحاقی قرار دارند. همین سازمان‌ها در گذشته‌ای نه چندان دور تأسیسات هسته‌ای را در سایت‌های نظامی پنهان کردند.
- این رفتار را نمی‌توان تحمل کرد؛ توافق هسته‌ای بایستی به دقت اجرا شود و آژانس بایستی از اختیاراتش برای بازرسی استفاده کند.

مباحث اقتصادی در راهبرد جدید آمریکا علیه ایران

به نظر می‌رسد با خروج آمریکا از برجام راهبرد جدید آمریکا جنگ اقتصادی علیه ایران است که وارد محله نوبنی شده که با مشارکت صهیونیست‌ها و لابی آنها در آمریکا همراه شده است. در همین زمینه، اندیشکده بروکینگز، به ارتباط معنایی میان نمایش تلویزیونی نتانیاها و اعلام ترامپ درباره خروج از برجام اشاره کرده است. بروکینگز معتقد است هدف اصلی نخست وزیر رژیم صهیونیستی از این نمایش، تقویت موضع ترامپ در زمینه توافق هسته‌ای است. نتانیاها تلاش کرد که نشان دهد، آنچه ترامپ درباره برجام می‌گوید، درست است و برجام همان طور که ترامپ گفته، بدترین توافق تاریخ برای آمریکا است. در واقع، نتانیاها با ارائه مدارک و شواهدی که بروکینگز نیز آنها را چندان موثق قلمداد نمی‌کند، تلاش می‌کند تا نشان دهد تا ایران به برجام پایبند نبوده و آن را نقض کرده است. خروجی این نمایش تبلیغاتی این بوده که ایران یک کشور غیر قابل اعتماد است و برجام نتوانسته رفتارهای هسته‌ای این کشور را محدود کند.

کارشناسان بروکینگز معتقد هستند، نتانیاها با این اقدام، تلاش کرد تا ترامپ را در برابر دمکرات‌ها تقویت کند. در حالی که اواما و تیم پیشین سیاست خارجی و امنیتی آمریکا، برجام را یک دستاورد تاریخی عنوان می‌کردند و معتقد بودند با این توافق توانستند قدرت روبه‌رشد هسته‌ای ایران را مهار کنند، اما اسناد و مدارک موجود نشان می‌دهد، ایران نه تنها رفتار گذشته خود را اصلاح نکرده، بلکه به شدت به سمت تولید تسلیحات هسته‌ای در حال حرکت است. بنابراین فشارهای رژیم صهیونیستی و لابی یهودیان در آمریکا و کشورهای اتحادیه اروپا مسئله‌ای است که نمی‌توان از آن چشم پوشید و لذا رژیم صهیونیستی موضوع هسته‌ای ایران را در صدر دستور کار خود قرار داده است. به دنبال مذاکرات رژیم صهیونیستی با رهبران جهان مسئله هسته‌ای ایران به مسئله اصلی تبدیل شده است. لابی یهودیان در کنگره سنا و بسیاری از نهادهای سیاسی، اقتصادی و تسلیحاتی آمریکا نفوذ بلامنازع دارد. واقعیت آن است که روسای جمهوری آمریکا در برابر فشارهای لابی یهودیان در ایالات متحده ناتوان هستند. بنابراین آمریکا در برخورد با موضوعاتی که مربوط به جمهوری اسلامی ایران است، از فرمول تهدیدهای اقتصادی و حتی نظامی با هدف اطمینان دهی به رژیم صهیونیستی پیروی می‌کند.

به هر حال بررسی همه جنگ‌ها نشان می‌دهد که کشورهای آغازگر جنگ هدف‌های اعمالی و اعلامی داشته‌اند که جنگ برای نیل به آنها راه انداخته شد. دشمن با ابزارهای اقتصادی مانند پول، بانک، تحریم، محاصره اقتصادی، جنگ روانی و عملیات اخلاص‌گرایانه در بازار پول و سرمایه که با هدف تضعیف و کاهش توان اقتصاد و مقاومت ملی تغییر رفتار یا رژیم را دنبال می‌کند.

«کویسی رایت» اندیشمند غربی در این خصوص می‌گوید: «جنگ هنگامی آغاز می‌شود که دولتی نیت خود را برای توسل به آن، از طریق جنگ یا ضرب‌الاجل اعلام می‌دارد.» دقیقاً عنصر روانی جنگ اقتصادی آمریکا علیه ایران از طریق مواضع ترامپ آشکار شده است. اقدامات آمریکا علیه ایران به وضوح اراده و انگیزه قطعی و نیت دشمنان این کشور برای جنگ اقتصادی علیه ایران را نشان می‌دهد.

اهداف اعلامی آمریکا در جنگ اقتصادی علیه ایران، وادار کردن ایران به تسلیم اصلاحات مورد نظر کاخ سفید در برجام است، اما تحلیلگران سیاسی با رصد و رمزگشایی مواضع و عملکرد دولتمردان آمریکا، هدف اعمالی جنگ اقتصادی را تغییر رژیم ایران دانسته‌اند.

اعمال تحریم‌های سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳ از سوی آمریکا موجب خارج شدن نفت ایران از بازار جهانی و عدم دریافت پول فروش نفت و قطعی شبکه بانکی بین‌المللی (سوئیفت) و فشارهایی بر بازرگانان ایرانی شد. همچنین بعد از خروج ترامپ از برجام، کنگره آمریکا جنگ قضایی-اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران به راه انداخت و از این رهگذر به بهانه حمایت ایران از تروریسم اموال ایران در آمریکا را مصادره کرده است.

تحریم اقتصادی مدرن، جدیدترین جنگ اقتصادی است که آمریکایی‌ها طراحی کرده‌اند. بین‌المللی شدن تحریم‌ها یکی از شاخص‌های متمایز جنگ اقتصادی مدرن با گذشته است. آمریکا در همه‌اخر به این نتیجه رسیده که مهم‌ترین ابزار برای برخورد با کشورها استفاده از ابزار مالی است، لذا بیشترین تمرکز وزارت خارجه و خزانه‌داری آمریکا بر نظارت نظام بانکی کشورهاست. آنها نقطه قوت خود را دلار می‌دانند و به طور رسمی اعلام کرده‌اند که دلار را به سلاحی اقتصادی برای تحمیل اراده خود به کشورها تبدیل کرده‌اند.

ترامپ از همان ابتدای ورود به کاخ سفید، برخلاف اوباما نشان داد که قصد دارد جنگ اقتصادی را به صورت آشکارتر و علنی‌تر وارد مرحله جدیدی کند و انتشار سند راهبرد امنیت ملی ترامپ و بازتولید جنگ اقتصادی علیه ایران که در آن از ایران به عنوان «دولت یاغی» و رقیب اولیه برای منافع آمریکا در منطقه غرب آسیا نام برده شده است. ترامپ برای توجیه جنگ اقتصادی توافقی هسته‌ای را یکی از بدترین قراردادهایی دانست که آمریکا تاکنون امضاء و تصویب «قانون کاتسا» از سوی کنگره و سنای آمریکا با رأی اجماعی و امضای ترامپ نشان داد که جنگ اقتصادی علیه ایران توهم نیست. ضمن این که آمریکا در این جنگ اقتصادی با رژیم صهیونیستی و برخی کشورهای عربی با محور سعودی‌ها ائتلاف کرده و سعودی‌ها ستون مالی این جنگ را برعهده دارند.

همراهی برخی کشورهای عربی منطقه با آمریکا

عربستان سعودی و امارات متحده عربی که از مهمترین متحدان خاورمیانه‌ای آمریکا به حساب می‌آیند، از جمله اصلی‌ترین دنبال‌کنندگان سیاست‌های ضد ایرانی آمریکا هستند. این دو کشور علاوه بر تامین مالی و پرداخت وجوهات به برخی کشورها برای پیوستن به اجماع جهانی علیه ایران، با طرح ادعاهایی از قبیل حمایت‌های ایران از دولت سوریه و کمک‌های نظامی به حوثی‌های یمن، در صدد کمک به ایالات متحده در ایجاد اجماع مذکور هستند. به عبارت دیگر می‌توان گفت مهمترین ادعاهایی که جبهه مذکور در قبال ایران مطرح می‌کنند موضوعاتی از قبیل «توسعه برنامه موشکی»، «حمایت از حزب ... و جبهه مقاومت»، «حمایت از بشار اسد» و «حمایت از یمن» هستند که در شروط دوازده گانه «مایک پامپئو» وزیر امور خارجه آمریکا برای دستیابی به توافق جدید با ایران نیز بدان اشاره شده است.

اظهارات «هدر نائورت»-سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا- مویدهمین موضوع است. وی اظهار کرده بود که آمریکا در حال تلاش برای تدوین یک برنامه علیه ایران است. او مدعی شده بود هدف از تشکیل این ائتلاف در مقابل سیاست‌های منطقه‌ای ایران، دستیابی به جبهه‌ای متحد خواهد بود. در بخشی از اظهارات این مقام آمریکایی گفته شده بود که وزارت امور خارجه ایالات متحده دیدارهایی را با حدود ۲۰۰ دیپلمات از کشورهای دیگر برای تشریح اهداف کاخ سفید برگزار کرده و دلایل خروج ترامپ از برجام را برای آن‌ها توضیح داده است.

فرجام سخن و توصیه های راهبردی:

سیاست استفاده ابزاری دولت های مختلف آمریکا در ایجاد، تقویت، حمایت و گسیل گروه های تروریستی به مناطق مختلف جهان به منظور پیشبرد راهبردهای کلان این کشور در بی ثبات کردن کشورهای دیگر، سابقه ای بس طولانی دارد و انتشار اینگونه گزارش های سالانه که بیش از هر چیز اقدامی فرافکنانه با هدف تطهیر خود و متهم کردن دیگران است، نشان دهنده سیاست ها و رویکردهای دو گانه و متناقض این کشور در طول دهه های گذشته است.

با توجه به موارد یاد شده باید بر این نکته اذعان داشت که ایالات متحده آمریکا بر این باور است که با تهدیدها و اعمال تحریم های فزاینده علیه ایران، بیش از دو گزینه در اختیار ندارد. نخست آنکه جمهوری اسلامی برای نجات اقتصاد کشور و ممانعت از فروپاشی اقتصادی، تسلیم بخش عمده ای از خواست های آمریکا می شود، به میز مذاکره باز خواهد گشت و به توافق جامع و گسترده تازه ای گردن خواهد گذاشت. در چنین شرایطی، حاکمیت اسلامی ایران از تمامی مؤلفه های راهبردی قدرتش تهی شده و تغییر در رفتار و ساختار سیاسی در ایران به صورت ساده تری محقق می شود. دوم آنکه جمهوری اسلامی مقاومت می کند و خواست های آمریکا را رد می کند. در چنین شرایطی، آمریکا امیدوار است تا با افزایش تحریم ها، زمینه تشدید فشارهای اقتصادی در ایران و شکاف عمیق بین حاکمیت نظام اسلامی و مردم را ایجاد کند. در همین حال فشار افکار عمومی برای تغییر سیاست های حاکمیت افزایش خواهد یافت و ایران ناچار خواهد شد که به سر میز مذاکره باز گشته و این بار به اکثریت خواست های آمریکا جواب مثبت دهد.

باید بر این نکته توجه داشت که آمریکا در چارچوب کارزار فشار حداکثری علیه ایران، تلاش می کند از هر فرصتی برای برجسته کردن تهدید جمهوری اسلامی ایران و القاء ضرورت برخورد با چنین تهدیدی استفاده می کند. لیست دولت های حامی تروریسم آمریکا بیش از آنکه مبتنی بر واقعیت باشد، همیشه موضوعی سیاسی بوده و همواره از آن به عنوان ابزاری برای فشار بر کشورهای مخالف آمریکا استفاده شده است. ضمن اینکه با توجه به صحبت های اعضای تیم تحریمی دولت قبلی و کنونی آمریکا و هم چنین رصد روند تحولات از زمان خروج آمریکا از برجام تاکنون، می توان به این جمع بندی رسید که در اعمال تحریم های فلج کننده آمریکا چالش های سه گانه ای وجود دارد. از طرف دیگر دولت آمریکا متوجه این چالش ها شده است و تشکیل گروه ویژه اقدام علیه ایران به ریاست برایان هوک را در همین راستا می توان ارزیابی کرد. برایان هوک در جلسه معارفه تشکیل گروه اقدام ایران، دو ماموریت اصلی برای این گروه ذکر کرد که این دو ماموریت عبارت است از: سازماندهی و هماهنگی سازمان های درون دولت آمریکا و هم چنین رایزنی دیپلماتیک و هماهنگی با شرکای خارجی برای تحریم های ایران. بنابراین دولت آمریکا با در نظر داشتن این مسئله به دنبال به نتیجه رساندن بازی راهبردی خود تا قبل از بازگشت تحریم های نفتی (آبان ماه ۹۷) است. به همین دلیل لازم است دولت ایران سعی کند با صبر راهبردی و استفاده موثر از توان دیپلماسی خویش و به کارگیری ابزارهای آزموده شده جهانی برای بی اثر کردن تحریم ها، از چالش های موجود در تحریم ها استفاده کرده و تیغ تحریم ها را کند و بدون اثر کند.

بدون تردید دشمن میدان کارزاری را برای غلبه بر جمهوری اسلامی ایران مهیا کرده است و روشنگری و بصیرت افزایی مردم راه غلبه دشمن در این جنگ تما عیار و ترکیبی را مسدود خواهد نمود. در واقع، همه طراحی ها و استراتژی های ترامپ آمریکایی، هر چند با بکارگیری همه ابزارهای فشار اعم از تحریم، تهدید، مذاکره و... کلید خورده است، اما دشمن از فهم این حقیقت ناتوان است که سنت الهی بر پیروزی جبهه حق بر باطل بنا نهاده شده است و ملت مسلمان ایران اعتقاد راسخ دارد که با تدبیر و بصیرت و استقامت، وعده نصرت الهی محقق خواهد شد و مکر دشمنان ناکام خواهد ماند.

توصیه های راهبردی:

۱. هوشیاری و آمادگی جمهوری اسلامی جهت تقابل با هر گونه تهدید از سوی ایالات متحده
۲. لزوم آگاهی و بصیرت تصمیم گیران و تصمیم سازان جمهوری اسلامی در شرایط کنونی
۳. آمادگی و تقویت اتاق های فکر و هیئت های اندیشه ورز سیاسی جهت اقدام موثر و مقابله صحیح و به موقع
۴. هماهنگی دستگاه های اجرایی، تقنینی، قضایی و نظامی - اطلاعاتی کشور برای جلوگیری از هر گونه بهانه آمریکا علیه ایران
۵. وحدت نظر در میان تمامی نهادهای ملی ایران برای مقابله با حربه های آمریکا
۶. تاکید بر حضور و نقش ایران در یمن، سوریه و عراق بر حسن نیت و کمک های بشردوستانه اش
۷. گسترش همکاری های منطقه ای در راستای منافع کشورهای منطقه و ایران
۸. افزایش ارتباط دستگاه دیپلماسی ایران با کشورهای قدرتمند و تاثیرگذار دنیا
۹. افزایش ارتباط سفرای ایران با مسئولان و افکار عمومی محل ماموریت در راستای تبیین سیاست ایران
۱۰. برنامه ریزی مناسب دولتمردان و تصمیم سازان ایرانی در جهت منافع ملی کشور
۱۱. تقویت ارتباط با برخی شرکای تجاری و شکستن اجماع مورد نظر آمریکایی ها
۱۲. تشکیل و تقویت کمیته های عملیات روانی برای شناخت اقدامات روانی دشمن و افزایش قدرت پیش بینی، پیشگیری و پاسخگویی
۱۳. تقویت قدرت عملیات روانی در ایران برای اهداف مورد نظر
۱۴. تقویت و توسعه دیپلماسی همه جانبه عمومی و رسمی به خصوص دیپلماسی دفاعی و دیپلماسی فرهنگی
۱۵. گفتمان سازی راهبردی در عرصه بین الملل
۱۶. نمایش و انعکاس درست پیام قدرت و اراده از ایران
۱۷. مهار آمریکا در استمرار ایران حامی تروریست
۱۸. جلوگیری از فرسایشی شدن جنگ اقتصادی با آمریکا و تحمیل شکست بر آمریکا در زمینه تحریم اقتصادی
۱۹. مقاومت و پایداری هوشمندانه در تمامی عرصه های منطقه ای
۲۰. طراحی به منظور صیانت راهبردی از گفتمان های رهبری

مستطرايه نظرات و پيشنهادات تکليفي شما نخبگان و کارشناسان گرامي خواهيم بود. رصدخانه روابط بين الملل مجمع جهانی صلح اسلامي